

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عبدالله امینی

۲۶ فبروری ۲۰۱۴

سیاف، شیعه و انتخابات

طوری که هم میهنان ما مطلع می باشند که از جمله ۱۱ کاندید، ده تن از "کاندیدان" ریاست جمهوری افغانستان اشغال شده یکی از معاونین خود را از مردم هزاره و یا صرفاً از اهل تشیع تعیین نموده اند. فرد استثنائی درین جا سیاف وهابی است.

در کابل شایع است که سیاف نفرت عمیقی از شیعه و مردم هزاره دارد. مردم هزاره شیعه مذهب می باشند که سیاف از آنها متنفر است. سیاف تا قبل از هجرت به پاکستان یک سنی عادی بود. بعد از سرازیر شدن پول شیوخ عرب به گروه های جهادی افغانستان در پاکستان، سیاف به وهابیت سعودی گرایش یافت و از این طریق میلیون ها دالر به جیب زد. او همچنان برای خوشنودی سعودی ها، نام خود را از عبدالرسول سیاف به عبدالرب رسول سیاف تغییر داد و رسماً مبلغ وهابیت سعودی در افغانستان شد. وهابیت سعودی با شیعه مذهبیان سر سازش ندارد و آنها را کافر می پندارد. سیاف وهابی هم به تاسی از راه و روش وهابیت سعودی جنگ و ستیز را با هزاره ها و اهل تشیع افغانستان در پیش گرفت.

در جریان جنگ های داخلی ۱۹۹۲-۱۹۹۶، نیرو های مشترک سیاف وهابی و احمد شاه مسعود و ربانی سنی شیعه کشی و هزاره کشی را در کابل خصوصاً در ناحیه افشار به راه انداختند. نیرو های سیاف وهابی و شورای نظار احمد شاه مسعود با چنان بیرحمی قصابی را شروع کردند که در تاریخ انسان کشی بشر کم نظیر بود. برای مردم افشار کابل و هزارگان خوشخال خان مینه نه ناموس ماندند و نه زن و فرزند. سیاف می گفت که "شیعه ها مسلمان واقعی نیستند و باید آنها را نابود کرد". با این طرز دید ضد شیعه و ضد هزاره ، دو متعصب خونخوار یعمی سیاف و مسعود مصیبت عظیمی بر اهل تشیع و هزاره ها وارد کردند. روی همین دلیل است که سیاف وهابی هیچ همکاب شیعه و هزاره ندارد. آیا چنین یک فرد با گذشته سیاه انسان کشی و تعصب فاشیستی مذهبی می تواند رهبر یک کشور شود ولو که آن کشور اشغال شده هم باشد؟

البته این بدان معنا نیست که گویا دیگر کاندیدان کرسی وطن فروشی کدام نکته مثبتی دارند، بلکه هر یک در جای خود و در مورد خاصی از تبحر و کارائی خاص خود برخوردار است، کارائی سیاف در ایجاد تفرقه و دامن زدن به تفرقه های مذهبی و قومی و نژادی می باشد. درواقع او می خواهد کاری را که پسر خاله اش امین جلال در ایجاد استخوان شکنی بین هزاره و پشتون و سایر اقوام ناکام ماند، به دنبال جنایت اولی در دوران سگ جنگی ها کامل نموده،

افغانستان را به طرف تجزیه سوق بدهد. در واقع همان کاری که سایر وطنفروشان کاندید، از مجرا های دیگری انجام می دهند.

بناءً با وجودی که خطر افشای هویت با در نظر داشت کنترل شدیدی که بر تمام رد و بدل شدن ایمیل ها در اینجا وجود دارد و هر آن ممکن است، چنگال مرگ گریبانم را بگیرد، خود را موظف می بینم تا به حیث یک فرزند افغان که از پستان مادر افغان شیر خورده است، با صدای بلند- هر چند در مقایسه با صد ها و هزاران صدای گوشخراشی که از رسانه های رسمی بلند است، حیثیت یک نجوا را هم شاید نداشته باشد- از این یگانه تریبون آزادیخواهان کشور، با قاطعیت اعلام بدارم:

به هر یک از کاندید ها که رأی بدهید، محض شرکت تان در انتخابات دولت مستعمراتی، شما را نیز در مصایب محتوم آینده کشور نزد مردم، تاریخ و اگر به خدا اعتقاد دارید، همان خدای تان مسؤل و جوابده خواهد ساخت. زیرا شرکت در انتخابات استعماری و رأی دادن به هریک از کاندید ها، رأی دادن به نابودی کشور و تباهی مردم آن می باشد.